



محیط زیست از منظر قرآن و سنت

دکتر علی نجار پوریان

چکیده:

طبیعت، محیط اولیه زندگی انسان است و امروزه از چنان جایگاهی برخوردار می‌باشد که تنها به قلمرو مسائل پزشکی و فلسفی محدود نمی‌شود؛ بلکه با بسیاری از مسائل اجتماعی، سیاسی، انتقادات حقوقی و حتی فرهنگی در هم آمیخته است.

این نوشتار، درصدد تبیین عناصر محیط زیست در قرآن و سنت است و نخست به عناصری از محیط زیست که در زبان قرآن و سنت بیان شده، می‌پردازد که در ضمن کاربرد عناصری چون هوا، باد، آب، باران، پوشش گیاهی، زمین، خاک، کوه، مواد غذایی طبیعت بیان می‌شود، سپس عوامل تخریب و آلودگی محیط زیست، ذکر می‌شود و آن‌گاه راه کارهای حفاظت محیط زیست بررسی می‌شود. در بررسی راه کارها نیز راه کارهای اخلاقی، اقتصادی و راه کارهای فقهی و بهداشتی ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: محیط زیست، آب، خاک، زمین، باران، خلیفه الله، عوامل آلودگی محیط زیست، راه کارهای حفاظت از محیط زیست، عمران و آبادانی، قاعده لاضرر، قاعده لاجرح.

مقدمه

حفاظت از محیط زیست و راه‌های مبارزه با آلودگی آن، یکی از مسائل مهم جهان و بشر امروزی است.

این مساله از آن رو واجد اهمیت است که دنیا با بحران‌های بزرگ زیست محیطی مواجه می‌باشد. تخریب جنگل‌ها و مراتع، آلودگی آب‌ها، گسترش شهرها و جمعیت، مصرف سوخت‌های فسیلی، از بین رفتن گونه‌های جانداران، پیدایش بیماری‌های ناشناخته و سخت درمان و ده‌ها مورد از این قبیل، ضرورت طرح جامع جهانی برای مقابله با این پدیده و نجات زیست کره از عواقب خطرناک آن را بیش از هر زمان دیگر گوشزد می‌کند. صاحب نظران و دانشمندان از دهه شصت میلادی به این سو، همزمان با اعلام خطر نسبت به عواقب ناگوار تخریب محیط زیست، راه کارهای گوناگونی را نیز برای مبارزه با عوامل آلاینده و چگونگی پیشگیری از آن ارائه کرده‌اند، که در یک دسته بندی کلی می‌توان به راهکارهای اقتصادی، اخلاقی، فرهنگی و حقوقی اشاره کرد. در راستای راهکارهای فرهنگی، تبیین ارزش و جایگاه محیط زیست در اعتقادات دینی، و بیان راهکارهای دینی حفاظت از محیط زیست و چگونگی مبارزه با آلودگی آن از منظر ادیان، به عنوان زمینه‌ای که طرح خود کنترلی افراد و جوامع را مطرح می‌کند، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این نوشتار در صدد بیان نگرش قرآن کریم، به عنوان مهمترین سند مکتوب و شناخته شده دین اسلام، به مساله محیط زیست است که در کنار آن از توصیه‌های پیشوایان دینی نیز بهره گرفته است.

انسان برای زندگی به دو محیط نیاز دارد: یکی محیط طبیعی و دیگری محیط اجتماعی، پیدایش و شکل گیری محیط طبیعی، به هیچ عنوان در حوزه اختیار و عملکرد انسان نیست، بر خلاف محیط اجتماعی که ساختار آن کاملاً در حوزه عملکرد و اختیار انسان قرار دارد.

طبیعت که محیط اولیه زندگی انسان است، امروزه مفهومی بس گسترده دارد و با بسیاری از مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در هم تنیده است.

انسان امروزی بر بسیاری از عناصر و پدیده‌های طبیعت سلطه دارد و آنها را تحت

سیطره خود در آورده و از آن‌ها بهره می‌جوید. گویا جهان با همه مواهب و امکاناتش روستای آبادی است که منافع آن تنها به انسان تعلق دارد و سایر حیوانات و مخلوقات همه در خدمت او می‌باشند.

این مفهوم که خدا زمین را برای انسان آفرید و در اختیار او قرار داد، در بسیاری از آیات قرآن آمده است، در عین حال همواره به انسان هشدار می‌دهد که زمین، سطح و فضای اطراف آن، منابع زیر زمینی و همه امکانات آن متعلق به خدای متعال است و انسان‌ها به عنوان خلیفه و جانشین خدا، بدون هیچ تفاوت و تبعیض در حق بهره‌برداری، این منابع را به منظور استفاده و توسعه زندگی مادی که مقدمه ورود او به عالم معنویت و قرب الهی است، در اختیار دارند.

مالکیت انسان‌ها بر مواد و کالاهایی که در اختیار دارند، مالکیتی عاریتی و مجازی است و باید در راستای رضای الهی و هدف خلقت از آن‌ها بهره‌گیرند و در دایره محدودی از آن‌ها استفاده کنند تا به نابودی و یا کمبود منابع زمین نینجامد.

ویژگی بارز این طبیعت آن است که خداوند آن را با سنجش، برنامه «تقدیر» و نظم عالی بر طبق نیازهای مخصوص به زمان و مکان و افراد آفریده است: «و خلق کل شیء فقدره تقدیراً» (الفرقان، ۲/۲۵)؛ خداوند، همه چیز را آفریده و به اندازه‌اش مقدر داشته است. پیدایش روز و شب، گردش سیاره‌ها، تغییر فصل‌های سال، گرما و سرما، پستی‌ها و بلندی‌ها، نواحی آبی و خشک و... هر یک به جای خود وظیفه و نقش به‌سزایی در تأمین نیازهای مختلف انسان ایفا می‌کنند.

این پدیده‌ها در عین حال از چنان نظمی منطقی برخوردارند که کوچکترین خلل در روند طبیعی آن‌ها، برای انسان، تهدید کننده و ویران‌گر محسوب می‌شود.^۱ امام صادق (ع) فرمودند:

فکر یا مفضل فی مقادیر النهار و اللیل، کیف وقعت علی ما فیہ هذا الخلق؛
ای مفضل! در ساعات شبانه روز بیندیش که چگونه مطابق مصلحت آفریدگان
و همه مردم پایه ریزی شده است.

پیدایش فصول مختلف سال به عنوان یک نمونه زنده و گویاست که هر موجود زنده‌ای - اعم از انسان، حیوان یا گیاه - خواه ناخواه با آن مواجه می‌شود. این روست که امام

صادق (ع) به مفضل فرمودند :

فکر یا مفضل فی هذا الفلک بشمسه و قمره و نجومه و بوجه تدور علی العالم فی هذا الدوران الدائم بهذا التقدير و الوزن لما فی اختلاف الیل و النهار، و هذه الازمان الاربعة المتوالية علی الارض و ما علیها اصناف الحیوان و النبات من ضروب المصلحة... و هل یخفی علی ذی لب ان هذا تقدير مقدر، و صواب حکمه من مقدر حکیم؟^۳ ای مفضل! درباره این چرخ گردون و خورشید و ماه و ستاره و برج هایش اندیشه کن، که چگونه همیشه و موزون به دور عالم می چرخد تا شب و روز و طلوع و غروب «فصل های چهارگانه» پشت سر هم پدید آیند و مصالح تمام ساکنان زمین از حیوان و گیاه تامین شود... آیا بر هیچ خردمندی پوشیده می ماند که همه این ها، تقدیر و تدبیر و حکمت خدایی حکیم است؟

کارکرد هر یک از عناصر و پدیده های طبیعت برچنان نظامی استوار است که انسان ها می توانند روش زندگی خود را مطابق تغییرهای آن ها تغییر دهند. از سوی دیگر، انسان با تصرف و ایجاد جابه جایی های مختلف، تغییرهای بی شماری در طبیعت ایجاد می کند که می تواند چهره طبیعت را مخدوش سازد و در ساز و کار آن اخلال ایجاد نماید. این تاثیرگذاری متقابل انسان و طبیعت، اهمیت بررسی عناصر طبیعی را دو چندان می کند، از این رو برخی از عناصر طبیعی که بیشترین نقش را در طبیعت، زندگی انسان و سایر موجودات دارند، به طور جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم.

عناصر و منابع طبیعی

الف: هوا

مهم ترین عنصر و منبع حیاتی طبیعت که تمام موجودات زنده، بدون استثنا از آن سود می جویند، هواست. مقصود از هوا جو زمین یا قشر ضخیمی از ترکیبات انواع گازهاست که کره زمین را احاطه کرده است. اگر به نقش حیاتی این قشر ضخیم هوا، که زمین را از هر سو احاطه کرده است، بیاندیشیم، نقش آن را در فراهم سازی فضایی سالم برای زندگی و تنفس انسان ها و سایر موجودات کره زمین به راحتی خواهیم یافت.^۴

این قشر مخصوص هوا که همچون سقفی بلورین اطراف ما را احاطه کرده است، در

عین این که مانع از تابش نور آفتاب نیست، به قدری محکم و مقاوم است که از یک سد پولادین با چندین متر ضخامت نیز محکم تر است.

مفهوم برخی آیات قرآنی نیز موید همین مطلب است، مانند: «و جعلنا السماء سقفاً محفوظاً» (الأنبياء، ۳۲/۲۱)؛ آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم. مقصود از کلمه «سما» در این آیه همان جو زمین است، یعنی قشر هوای متراکمی که دور تا دور کره زمین را پوشانده و طبق نظریه دانشمندان، ضخامت آن چند کیلومتر است. ۵. جو زمین آن قدر ضخامت و غلظت دارد که هم چون زرهی، زمین را از شر مجموعه مرگبار بیست میلیون سنگ های آسمانی که در روز با سرعتی حدود ۵۰ کیلومتر در ثانیه به آن برخورد می کنند، در امان نگه دارد. اگر هوای محیط زمین اندکی از آن چه که هست رقیق تر شود، اجرام آسمانی و شهاب های ثاقب که هر روز به مقدار چند میلیون عدد به آن اصابت می کند و در همان فضای خارج منفجر و نابود می شود، به سطح زمین می رسیدند و هر گوشه آن را مورد اصابت قرار می دادند. ۶.

جو زمین علاوه بر آن چه که گفتیم، درجه حرارت سطح زمین را در حد لازم و شایسته زندگی نگه می دارد و نیز ذخیره های آب و بخار آب را از اقیانوس ها به خشکی انتقال می دهد که اگر چنین نبود، همه قاره ها به صورت کویرهای خشک غیرقابل زیست در می آمدند، به این ترتیب می توان گفت که اقیانوس ها و جو زمین به عنوان نیروهای برتر نگاه دارنده و محافظ برای زمین عمل می کنند.

چنان که طبقات فوقانی جو به کره زمین خدمت می کنند و در تکوین و حیات موجودات آن نقش دارند، زمین نیز می تواند در سازو کار طبقات فوقانی جو، تاثیرگذار باشد. بخش عمده ای از آن چه از زمین متصاعد می شود، پس از انجام عملیات جوی دوباره به زمین باز می گردد. بنابراین، هر چه بخارهای متصاعد شده از زمین، آلوده تر باشند، فضای جورا آلوده خواهند کرد و سبب می شوند تا نزولات جوی آلوده تری به سوی زمین فرود آید. در اهمیت و ارزش آن همین بس که زنده بودن بدن ها و جان ها وابسته به آن است و همین هواست که ساز و کار داخلی بدن با استنشاق آن تنظیم می گردد و از نظر روحی نیز بر شادابی و نشاط و افسردگی و کسالت روحیه انسان تاثیر مستقیم دارد.

امام صادق (ع) در توحید مفضل این عنصر طبیعی را چنین تبیین فرمودند:

و حسبک بهذا النسیم المسمی هواء و ما فیہ من المصالح، فانه حیاة هذه الابدان
والممسک لها من داخل بما تستنشق منه، و من خارج بما تباشر من روحه؛^۷ باید
از این نسیمی که به نام هوا دریافت می کنی، شناخت کافی داشته باشی و بدانی
چه فایده‌هایی برای این بدن‌ها دارد و بدانی این هواست که بدن با استنشاق آن
حفظ می شود و از خارج بر رفتار و روحیه‌ی او تاثیر می گذارد.

ب: باد

باد نیز یکی از عناصر و منابع طبیعی و خدادادی است که همگام با ساز و کار جهان
و طبیعت به انجام وظیفه می پردازد. باد در واقع همان هواست و تا زمانی که در جنب و
جوش است و حرکت می کند، به آن مفهوم باد اطلاق می شود ولی هنگامی که ساکن است،
هوا نامیده می شود.^۸ چنان که امام صادق (ع) فرمودند:

الریح هواء اذا تحرک سمی ریحاً، فاذا سکن سمی هواء و به قوام الدنیا؛^۹ باد
همان هواست، منتها زمانی که حرکت می کند، به آن باد می گویند و زمانی که از
حرکت باز می ایستد، هوا نامیده می شود و پایداری طبیعت به باد بستگی دارد.

نقش باد در طبیعت را قرآن کریم به زیبایی هر چه بیشتر و بیان منطقی تر برای بشر
گوشزد کرده، و این جامعه بشری است که باید در بهره‌وری بهینه از منابع طبیعی خدادادی
برنامه ریزی کند. «و من آیاته ان یرسل الریاح مبشّرات و لیدیقکم من رحمته...» (الروم، ۴۶/۳۰)؛ از
نشانه‌های رحمت خدا آن است که بادهای مژده دهنده باران را می فرستد، تا رحمت خود را
به شما بچشانند. و آیه‌ی «اللّه الذی یرسل الریاح فتثیر سحاباً فیسطه فی السّماء کیف
یشاء و یجعلہ کسفاً فتری الودق یخرج من خلاله، فإذا أصاب به من یشاء من عباده إذا هم
یستبشرون» (الروم، ۴۸/۳۰)؛ خدایی که بادهای را می فرستد تا ابرها را به حرکت در آورده و در
آسمان بگستراند، سپس آن ابرها را متراکم می کند، آن گاه می بینی که باران از خلال ابرها
بیرون می آید و چون باران به هر بنده‌ای برسد، شادمان می شود. و آیه‌ی «و هو الذی یرسل
الریاح بشرأین یدی رحمته، حتی إذا أقلت سحاباً ثقلاً سقناه لبلد میت فأنزلنا به الماء
فاخرجنا به من کل الثّمرات» (الاعراف، ۵۷/۷)؛ اوست خدایی که بادهای را به عنوان رحمت
خود پیشاپیش باران به بشارت می فرستد تا ابرهای سنگین بار را بر دوش خود حمل کنند. ما

آن را به سرزمین های مرده روان می سازیم و از آن باران می فرستیم و به وسیله آن انواع میوه ها را به بار می نشانیم .

گرده افشانی و تلقیح گیاهان، نرمی و سختی میوه ها و غذاها، سرد و گرم شدن آب ها، حرکت کشتی ها و حمل و نقل دریایی و... همه اموری هستند که به واسطه وجود کارکرد عادی این عنصر طبیعی صورت می گیرد. برای آن که بیشتر به اهمیت باد پی ببریم کافی است، تصور کنیم اگر چند ساعت یا چند روزی طبیعت، این عنصر خود را از کار بیندازد، چه حادثه ای پیش خواهد آمد و جهان انسان و حیوان و گیاه، دستخوش چه تغییرهایی خواهد شد؟^{۱۰}

امام صادق (ع) فرمودند:

... و منه (الهواء) هذه الريح الهابة فالريح تروح عن الاجسام و تزجى السحاب من موضع الى موضع ليعم نفعه حتى يستكثف فيمطر و تفضّه حتى يستخفّ فيتغشى و تلقح الشجر و تسير السفن و ترخى الأطعمة و تبرد الماء و تشبّ النار و تجفف الاشياء النديه و بالجملة أنها تحيي كلما فى الارض فلولا الريح لذوى النبات و مات الحيوان و حمت الاشياء و فسدت؛^{۱۱} بخشی از هوا همین بادی است که با مهابت تمام می ورزد. پس باد، هر غباری را از اجسام می راند و همچنین ابرها را در آسمان از نقطه ای به دیگر نقطه می راند تا به همه کس سود برساند، بدان سان که ابرها متراکم گردند تا چنان بارانی ببارد که همه جا را سیراب و درختان را بارور نماید. کشتی ها را به حرکت درآورد، غذاها را نرم و آب ها را خنک گرداند، آتش ها را شعله ور و اشیای تر و چسبنده را خشک کند. در یک کلام باد همه آن چه را در زمین است، زنده می کند؛ زیرا اگر باد نبود همه گیاهان خشک و پژمرده می شدند و حیوانات می مردند. و همه چیز به لجن کشیده می شد. و فاسد می گشت.

انبهک یا مفضلّ علی الريح و ما فيها ألت تری رکودها إذا رکدت يحدث الكرب الذى یکاد یأتی علی النفوس و یحرّص الاصحّاء و ینهک المرضى و یفسد الثمار و یعفن البقول، و یعقب الوباء فى الابدان و الافة فى الغلات ففى هذا بیان انّ هبوب الريح من تدبیر الحکیم فى صلاح الخلق؛^{۱۲} تو را از رموز باد آگاه سازم تا بدانی در آن چه حکمت و مصلحتی و چه فایده هایی نهفته است. آیا نمی بینی که

اگر باد از حرکت بیايستد چه گونه بلاها پديد مي آيند . بلاهايي كه جان انسان ها را نشانه مي روند و مريضان را ضعيف تر مي سازد ، ميوه ها را فاسد و سبزي ها را متعفن مي كند . هم چنين با باز ايستادن آن «وبا» جان انسان ها را به خطر مي اندازد و آفت در غلات و محصولات هاي كشاورزي مي افتد . همه اين ها گوياي اين مطلب است كه زمزمه باد ، تدبير خدای حكيم ، براي اصلاح امور آفريدگان است .

امروزه با پيشرفت هاي چشمگيري كه در عرصه هاي مختلف زندگي بشر حاصل شده ، تنها به بهره برداري از عملكرد طبيعي باد اكتفا نمي شود ، بلكه براي استفاده هاي بسيار مهم تر و مفيدتر در آن تصرف مي كنند . البته نبايد از خطرهايي كه طغيان باد ايجاد مي كند ، غافل شد ؛ زيرا تا زماني كه جو طبيعت روال عادي خود را طي مي كند ، باد مفيد است ، اما زماني كه با دخالت عوامل خارجي ، ساز و كار عادي و معمولي طبيعت دچار اختلال شود ، ديگر نمي توان از باد ، بلكه همه عناصر طبيعي - انتظار داشت كه همانند هميشه فعاليت سالم و مفيدي داشته باشد . مثلاً يكي از وظايف جنگل ها و درختان ، مهار سرعت باد است تا در مواقع طوفاني هوا ، سرعت باد موجب تخریب آبادي ها و نابودي موجودات زنده نگردد ، اگر جنگل به هر دليلي نابود شد ، باد بدون هيچ مانعي بر حرکت و سرعت خود مي افزايد و چه بسا با به حرکت درآوردن سنگ ها و خاك ها ، مناطقي از پوشش گياهي را زير خروارها سنگ و خاك مدفون سازد يا در مسير ، به شهرها و آبادي ها و ساختمان ها آسيب جدي برساند و موجب وارد آمدن خسارات فراوان جاني و مالي گردد .

خشم طوفان را خداوند با اين تعبير زيبا بيان مي كند : «فيرسل عليكم قاصفاً من الريح فيغرقكم بما كفرتم» (الاسراء ، ۶۹/۱۷) ؛ طوفاني سهمناك و كشتي شكن بفرستد و به سبب كفراني كه ورزيده ايد غرقتان سازد . و در حديثي از پيامبر اكرم (ص) وارد شده است :
«لاتسبوا الريح و عودوا بالله من شرها» ؛^{۱۳} باد را دشنام ندهيد ، بلكه از شر آن به خدا پناه ببريد . مقصود آن است كه از طريق نابودي جنگل ها و مراتع ها و آلودگي محيط ، راه طغيان باد را هموار نكنيد .

ج : آب و باران

موجودات كره زمين به دو طريق از آب بهره مند مي شوند : زمين و هوا . مطابق بررسي هاي انجام شده ، حدود دو سوم سطح زمين پوشيده از آب است . انسان براي دستيابي به آب ،

اعماق زمین را نیز کاویده است و از طریق حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق یا کانال‌های زیرزمینی به بهره‌برداری از این منبع خدادادی می‌پردازد. آسمان هم ارزان و رایگان، زمین، مزارع، کوه‌ها و دشت‌ها را سیراب می‌سازد تا زندگی انسان به راحتی تامین شود. شاید بتوان آب را مهم‌ترین عنصر از عناصر طبیعی نامید؛ زیرا علاوه بر آن که هستی و حیات همه موجودات، اعم از انسان، حیوان و گیاهان به آب بستگی دارد، نقش آن در سایر مراحل زندگی نیز هم چنان چشمگیر و حیاتی است. «وجعلنا من الماء كل شيء حي» (الانبیاء، ۳۰/۲۱)؛ همه چیز را از آب زنده نگه داشته‌ایم. البته آب علاوه بر خاصیت حیات بخشی، خاصیت فوق‌العاده مهم پاک‌کنندگی هم دارد که اگر آبی نمی‌بود یا بشر استفاده از آب را به کلی از زندگی خود حذف می‌کرد، در اندک زمانی سرتاسر جسم و جان و زندگی او کثیف و آلوده می‌شد. از این نظر آب کمک بسیار موثری به سلامت موجودات و مبارزه با انواع بیماری‌ها می‌کند. ۱۴

امام صادق (ع):

إعلم يا مفضل إن رأس معاش الانسان و حياته الخبز و الماء، فانظر كيف دبر الامر فيهما، فان حاجة الإنسان إلى الماء أشد من حاجته إلى الخبز و ذلك أن صبره على الجوع أكثر من صبره على العطش و الذي يحتاج إليه من الماء أكثر مما يحتاج إليه من الخبز لأنه يحتاج إليه لشربه و وضوئه و غسله و غسل ثيابه، و سقى انعامه و زرعه فجعل الماء مبذولاً لا يشترى؛ ۱۵ ای مفضل! بدان که اساسی‌ترین نیاز زندگی مادی انسان آب است و نان. بنگر که خداوند چگونه در این دو تدبیر کرده است: نیاز انسان به آب بیش از نیازش به نان است؛ چراکه، صبر بر گرسنگی اش بیشتر از صبر بر تشنگی اش می‌باشد و نیز نیاز او به آب بیشتر است؛ زیرا انسان آب را هم برای خوردن و هم برای وضو، غسل، شست و شوی لباس، سیراب‌سازی حیوانات و آبیاری باغ و مزارع استفاده می‌کند، از این رو آب به قدری فراوان است که خرید و فروش نمی‌شود.

مهم ترین نقش های آب در طبیعت را می توان در موارد زیر برشمرد:

الف) ایجاد پوشش های گیاهی و جنگلی

زمین به خودی خود قدرت باروری چندانی ندارد ولی آن گاه که آب باران بر سطح آن و بر دشت ها و کوه ها می ریزد و تا اعماق آن نفوذ می کند و یا رودخانه ای در منطقه ای جاری می شود و یا با تلاش فراوان نهر آبی در مسیری احداث می شود، خواهیم دید که انواع گل ها و گیاهان، درختان، بوته ها و... با رنگ ها، شکل ها و اندازه های مختلف در طبیعت ظاهر شده و چهره طبیعت را دگرگون می سازد. «ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء فسلكه ينابيع في الأرض ثم يخرج به زرعاً مختلفاً ألوانه ثم يهيج فتراء مصفراً ثم يجعله حطاماً إن في ذلك لذكراً لأولی الألباب» (الزمر، ۲۱/۳۹)؛ آیا نمی بینی که خدا از آسمان آب باران نازل گردانید و در روی زمین نهرها و جوی ها روان ساخت، آن گاه با آن، انواع گیاهان گوناگون رویانید. باز از سبزی و خرمی رو به خزان می آورد، بدین گونه که ابتدا زرد شود، آن گاه آن را خشک گرداند. این جریان، صاحبان عقل و خرد را به حقیقت قدرت و رحمت الهی و نظم حاکم بر طبیعت یاد آور شود.

آیات دیگری مانند: «و أنزل لكم من السماء ماء فأنبتنا به حدائق ذات بهجة ما كان لكم أن تُنبِتوا شجرها» (النمل، ۶۰/۲۷)؛ از آسمان بر شما باران فرستاد و با آن درختان و باغ و بوستان های شما را در کمال سبزی و خرمی می رویانیم که هرگز شما قادر به رویانیدن آن نیستید... و آیه: «والله أنزل من السماء ماء فأحيا به الأرض بعد موتها» (النحل، ۶۵/۱۶)؛ خدایی که از آسمان باران فرستاد تا زمین را پس از مرگ (خشکی) زنده گرداند. و آیه: «و أنزلنا من السماء ماء طهوراً» (النحی به بلدة میتاً و نسقيه مما خلقنا أنعاماً و أناسی كثيراً» (الفرقان، ۴۸/۲۵-۴۹)؛ از آسمان آبی پاک و پاکیزه برایتان نازل کردیم تا با آن زمین خشک و مرده را زنده سازیم و هر آن چه آفریدیم و چهار پایان و آدمیان بسیاری را سیراب گردانیم.

ب) تغذیه انسان و سایر موجودات

موجودات روی زمین به شیوه های مختلف: از آب بهره می گیرند. موجودات زیرزمینی از آب های زیرزمین، موجودات سطح زمین از چشمه ها، رودخانه ها، دریاها و نرولات

جوی بهره می گیرند. برخی از حیوانات نظیر ماهی ها و آبزیان، تمام زندگی خود را در آب می گذرانند، اما انسان آب را به صورت های گوناگون به مهار خود در آورده و از آن در زمینه های کشاورزی، آب آشامیدنی ساکنان شهرها و آبادی ها، به گردش در آوردن توربین های برق (تولید انرژی) و... سود می جویند. «و أنزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقاً لکم» (ابراهیم، ۳۲/۱۴)؛ خدا از آسمان باران را برای شما فرو فرستاد و با آن میوه های مختلف خارج ساخت و روزی شما قرار داد. نیاز به آب در زندگی بشر نه تنها با گذشت زمان و پیشرفت عظیم صنایع و علم و دانش انسان کاسته نمی شود، بلکه بر عکس انسان صنعتی نیاز بیشتری به آب دارد.

و درخت ها، گیاهان و میوه ها با جذب آب هایی که از آسمان می بارد و با آب های زیرزمینی مانند دریا و رودخانه قدرت باروری پیدا می کنند. «و هو الذی أنزل من السماء ماء فاخرجنا به نبات کل شیء فاخرجنا منه خضراً نخرج منه حباً متراكباً و من النخل من طلعها قنوان دانية و جنات من أعناب و الزيتون و الرمان متشابهاً و غیر متشابه...» (الأنعام، ۹۹/۶)؛ اوست خدایی که از آسمان باران فرو بارید تا هر گیاهی به آن روئیده شود و سبزه ها را از زمین آریم و در آن سبزه ها دانه هایی که بر روی هم چیده شده، پدید آوریم و از نخل خرما خوشه های پیوسته به هم برانگیزیم و باغ انگور و انار که برخی شبیه و برخی نامشابه به هم است، خلق کنیم. و آیه شریفه: «هو الذی أنزل من السماء ماء لکم منه شراب و منه شجر فیه تسیمون» *نبت لکم به الزرع و الزيتون و النخیل و الأعناب و من کل الثمرات» (النحل، ۱۶/۱۰-۱۱)؛ خدایی که از آسمان برای شما آبی فرستاد که از آن بیاشامید و درختانی پرورش دهید و هم زراعت های شما را از آب باران می رویند و از آن درخت های زیتون و خرما و انگور و هر میوه ای را می پرورانند.

ج) فایده ها و ذخیره های دریایی

قسمت عمده زمین را آب دریاها و اقیانوس ها فرا گرفته است که منبع مهمی برای ادامه حیات انسان و همه موجودات به شمار می روند. و قرار گرفتن دریا در خدمت بشر، یکی از نعمت های بزرگ خداست.

تأثیرهای آب و هوایی از بارزترین کارکردهای دریاهاست، چنان که با تبخیر آب

دریا، ابرهای باران‌زا تشکیل شده و به صورت باران بر زمین‌های خشک می‌بارد تا تمام جانداران از آن سیراب شوند. موجودات و حیوانات دریایی نیز با جذب میکروب‌های موجود در آب، نقش تصفیه‌کنندگی دارند تا بخاری که از آب دریا متصاعد می‌شود، صاف و بدون آلودگی بوده و فضای جو را آلوده نسازند.

از جمله سرمایه‌های ارزشمند موجود در دریا، انواع ماهی‌ها هستند که بدون هیچ رنج و مشقتی در جهت پرورش و نگهداری آن‌ها، در دسترس انسان‌ها قرار دارند. «و هو الذی سخّر البحر لتأکلوا منه لحمًا طریاً» (النحل، ۱۴/۱۶)؛ اوست خدایی که دریا را برای شما مسخر گردانید تا از گوشت لطیف و تازه آبزیان (حلال) آن تغذیه کنید. و آیه: «أحل لكم صید البحر و طعامه، متاعاً لكم و للسیارة...» (المائدة، ۹۶/۵)؛ صید دریا و طعام آن بر شما حلال شده است تا شما و کاروانتان از آن بهره‌مند شوید.

دریا هم‌چنین سرشار از انواع گوهرهای گران‌بها است که انسان می‌تواند با استخراج آن‌ها، هم در توانمندی اقتصادی و تقویت بنیه‌های مالی و هم به صورت زیور آلات زینتی از آن بهره‌مند شود. «هو الذی سخّر البحر... تستخرجوا منه حلیة تلبسونها...» (النحل، ۱۴/۱۶)؛ خدایی که دریا را برای شما مسخر گردانید... تا از زیورهای آن استخراج کرده و خود را آرایش نمایید....

یکی دیگر از نعمت‌ها و فایده‌های دریاها، حرکت کشتی‌هاست که حجم کالاهای و مسافرانی که از طریق دریا جابجا می‌شوند، به قدری زیاد است که با هیچ وسیله دیگری قابل قیاس نیست. «هو الذی سخّر البحر... و تری الفلک مواخر فیه و لتبتغوا من فضلہ» (النحل، ۱۶/۱۴)؛ خدایی که دریا را برای شما مسخر گردانید و کشتی‌ها را می‌بینید که سینه دریا را می‌شکافند تا شما (به تجارت پردازید) و از فضل خدا بهره‌گیرید. «و الفلک الّتی تجری فی البحر بما ینفع الناس» (البقرة، ۱۶۴/۲)؛ کشتی‌ای که برای بهره‌وری مردم در دریا روان است. بسیاری از پرندگان و حیوانات خشکی، تمام یا بخشی از غذای خود را از طریق دریا تهیه می‌کنند و یا از داخل دریا، حیوانات بزرگ را با شکار حیوانات کوچک تغذیه می‌کنند. آب و باران نیز همانند سایر عناصر طبیعت، در حالت عادی نقش‌سازنده و حیاتی دارند، اما اگر تحت تأثیر عوامل خارجی، در روند طبیعی آن اختلال شود، درست مخالف عملکرد طبیعی خود عمل می‌کنند؛ به عبارت دیگر اگر آب روان در فصل‌های مختلف سال

پیایی بیارد و دریاها همیشه طوفانی و ناآرام باشند و رودخانه‌ها همیشه طغیان کنند، خسارت زیادی به بار خواهد آورد که هم به طبیعت و هم به سلامت موجودات زنده ضرر می‌رساند. امام صادق (ع) فرمود:

فکر یا مفضل فی الصحو و المطر کیف يتعقبان علی هذا العالم لما فيه صلاحه ، ولو دام واحدة منها علیه كان في ذلك فساده ألا ترى أن الأمطار إذا توالى عنفت البقول و الخضر و استرخت ابدان الحيوان و خصر الهواء فاحدث ضرراً من الأمراض و فسدت الطرق و المسالك و إن الصحو إذا دام جفت الارض و احتراق النبات و غيض ماء العيون و الأذويه ، فأضر ذلك بالناس و غلب اليبس علی الهواء فاحدث ضرراً أخرى من الأمراض ، فاذا تعاقبا علی العالم هذا التعاقب اعتدل الهواء و دفع كل واحد منهما عادية الاخرى فصلحت الاشياء و استقامت . ۱۶ ای مفضل! درباره صافی هوا و باران بیندیش که چگونه برای مصلحت این عالم پشت سر هم قرار دارند. اگر یکی از این دو حالت (صافی هوا و باران) دوام پیدا کند، دنیا به فساد کشیده می‌شود. آیا ندیده‌ای که هر گاه باران پی در پی بیارد تمام سبزی‌ها و گیاهان می‌پوسند و سستی، همه حیوانات را فرا خواهد گرفت و هوا به سردی می‌گراید، در نتیجه انواع بیماری‌ها پدید می‌آید و راه‌ها و خیابان‌ها از بین خواهد رفت یا اگر هوا همیشه صاف باشد، زمین خشک شده و گیاهان خواهند سوخت و چشمه‌ها و رودخانه‌ها آب خود را از موجودات دریغ خواهند کرد. این پدیده سبب ضرر و زیان به مردم و خشکی بیش از حد هوا خواهد شد. همچنین سبب پیدایش انواع بیماری‌ها می‌شود، اما اگر خشکی هوا و باران، به ترتیب و تناسب باشد، هوا معتدل می‌شود و هر یک از این دو ضررهای دیگر را دفع خواهند کرد.

د) زمین و کوه‌ها

زمین محسوس‌ترین عنصر طبیعت است که همواره همه انسان‌ها و موجودات با آن در تماس می‌باشند. تماسی که هیچ‌گاه قطع نمی‌شود، حتی پس از مرگ نیز به زمین بازگردانده می‌شوند. «و جعلنا لكم فيها معایش و من لستم له برازقین» (الحجر، ۲۰/۱۵)؛ در این زمین لوازم زندگی شما نوع بشر را فراهم و همه بر سایر حیوانات، پرندگان، درندگان، حشرات

و غیره - که شما به آن‌ها روزی نمی‌دهید - قوت و غذا دادیم .

اصولاً هر موجود زنده‌ای به دو چیز اساسی نیازمند است: یکی محلی که در آن سکونت داشته باشد، دیگر جنب و جوش و تحرک. خداوند زمین را به گونه‌ای قرار داده که همانند گهواره‌ای که کودک در آن با خاطری آسوده، می‌آرامد، انسان نیز در زمین آرام می‌گیرد: «الذی جعل لکم الأرض مهداً و سلک لکم فیها سبلاً» (طه، ۵۳/۲۰)؛ خدای که زمین را آسایشگاه شما قرار داد و در آن راه‌های زیادی برای روابط و سفر و حوایج خلق پدید آورد. و آیه: «اللّٰه الذی جعل لکم الارض قراراً...» (غافر، ۶۴/۴۰)؛ خدایی که زمین را محل قرار و آسایش شما قرار داد. انتخاب تعبیر گهواره برای زمین بسیار متناسب عملکرد آن است، زیرا هر یک از عملکرد زمین به نوبه خود ویژگی متمایزی است که به سوی ساماندهی و رفاه ساکنان خود به پیش می‌رود. زمین با حرکت نرم و سریع خود به دور خورشید و به دور خود گردش می‌کند تا شب و روز و فصل‌های چهارگانه را که نقش عمده‌ای در حیات انسان دارند، پدید آورد.

حجم زمین، فاصله آن با خورشید، حرکت آن به دور خود و دور خورشید، نیروی جاذبه و دافعه‌ای که از آن حجم و این حرکت به وجود می‌آید و کاملاً متعادل و معادل یکدیگر است و هماهنگی تمام این‌ها با هم، شرایط حیات را بر صفحه زمین فراهم ساخته است. در حالی که اگر یک از این حرکات و رابطه‌ها کمترین تغییری پیدا کند، شرایط حیات و زندگی ساکنان زمین به هم می‌خورد و موازنه‌ها به هم می‌ریزد. «وفی الارض قطع متجاورات» (الرعد، ۴/۱۳)؛ در زمین قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند... این قطعات مجاور هم، با این که همه با هم متصل و مربوطند، در عین حال هر کدام استعدادی مخصوص به خود دارند، بعضی محکم، بعضی نرم، بعضی شیرین، بعضی شور و هر یک برای نوع خاصی از گیاهان، درختان میوه و زراعت استعداد دارند، چرا که نیازهای انسان و جانداران زمینی زیاد و متفاوت است، گویی هر قطعه از زمین مأموریت برآوردن یکی از این نیازها را دارد.

اگر همه این استعدادها یکنواخت بود و یا به صورت صحیحی در میان این قطعات تقسیم نشده بود، انسان‌ها از نظر مواد غذایی، دارویی و سایر نیازمندی‌ها دچار کمبودهای بیشماری می‌گردید. ^{۱۷}

نکته مهم و ویژگی بارز زمین آن است که خداوند از طرفی زمین را در اختیار همه انسان‌ها قرار داده و منابع آن را برای انسان خلق کرده است: «والارض وضعها للانام» (الرحمن، ۱۰/۵۵)؛ زمین را با همه منافعش برای زندگانی همه مخلوقات مقرر فرمود. از طرف دیگر، خداوند چنان قدرتی به انسان داده است که بتواند هم از زمین و هم از امکانات و موجوداتی که در آن است، بهره برداری کند. «هو الذی جعل لکم الأرض ذلواً فأمشوا فی مناكبها و کلوا من رزقه...» (الملك، ۱۵/۶۷)؛ خدایی که زمین را برای شما نرم و هموار (مطیع و مسخر) گردانید، پس شما در پستی و بلندی‌های آن حرکت کنید و روزی او را بخورید و آیه: «ألم تروا أن الله سخر لکم ما فی السماوات و ما فی الأرض و أسبغ علیکم نعمه ظاهرة و باطنة...» (لقمان، ۲۰/۳۱)؛ آیا نمی‌بینید که خداوند تمام آن چه در آسمانها و زمین است، رام شما کرده و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما فراوان کرده است... و آیه: «ولقد مکناکم فی الأرض و جعلنا لکم فیها معایش...» (الأعراف، ۱۰/۷)؛ شما آدمیان را در زمین تمکین و اقتدار بخشیدیم و در آن برای شما از هرگونه نعمت، معاش و روزی مقرر کردیم. و آیه: «والله أنبتکم من الأرض نباتاً ثم یعیدکم فیها و یخرجکم اخرجاً*والله جعل لکم الأرض بساطاً* لتسلکوا منها سبلاً فجاجاً» (نوح، ۱۷/۷۱-۲۰)؛ خداوند شما را همانند گیاهان از زمین رویانید، آن گاه بار دیگر به زمین بازگرداند و دیگر بار شما را از خاک برانگیزد. زمین را برای شما چون بساط (سفره‌ای) بگسترانید، تا برای تحصیل معاش خود راه‌های مختلفی بپیماید.

نکته دیگری که باید درباره زمین مطرح کرد، وجود کوه‌ها و پوشش‌های گیاهی و جنگلی آن است. کوه‌ها علاوه بر زیبایی ظاهری که به طبیعت می‌دهند، بر طراوت محیط نیز می‌افزایند. دامنه‌های آن به تهویه شهرها کمک شایانی می‌کند. گرمی آن برای زمین همانند کبد در بدن انسان عمل می‌کند و پوشش‌های جنگلی و گیاهی اش همانند ریه‌های زمین می‌باشند. کوه‌ها وسیله ثبات زمین اند، زیرا ریشه‌های آن‌ها به هم پیوسته و همچون زره محکمی، کره زمین را در برابر فشارهایی که از حرارت درونی ناشی می‌شود، حفظ می‌کنند. اگر کوه‌ها نبودند، زلزله‌های ویرانگر و طوفان‌های شکننده، مجالی برای زندگی به انسان نمی‌دادند؛ زیرا این کوه‌ها هستند که از تبدیل شدن بادهای کوچک و ساده به طوفان‌های سهمگین جلوگیری می‌کنند. «وجعلنا فی الأرض رواسی أن تمید بهم...»

(الأنبياء، ۳۱/۲۱)؛ در زمین کوه‌های استواری افراشته‌ایم تا به سبب آن‌ها در آرامش قرار گیرد. و آیه‌ی: «والجبال أوتاداً» (النبا، ۷/۷۸)؛ کوه‌ها را میخ‌های زمین قرار دادیم. و آیه‌ی: «وجعل لكم من الجبال اکناناً...» (النحل، ۸۱/۱۶)؛ خداوند از کوه‌ها برای شما پناهگاه‌هایی قرار داد. هر چه از زمین بالاتر برویم، جو زمین آلودگی کمتری دارد و میکروب‌هایش کم‌تر است. هر چه کوه بلندتر باشد، علاوه بر آن بیشتر می‌تواند جلو ابرها را بگیرد و آن‌ها را به باریدن وادار کند، آب نیز گواراتر خواهد بود. کوه‌ها به دلیل قرار گرفتن در بلندی، همانند یخچال‌های طبیعت عمل می‌کنند، زیرا آب‌های ذخیره شده در دل کوه بسیار سالم‌تر و خنک‌تر از آب‌های دشت‌ها و دریاهاست. کوه‌ها همچنین آب‌ها را در خود ذخیره کرده و کم‌کم به سوی سرزمین‌های تشنه، روان می‌سازند و در دامنه‌های خود نشاط حیات و سرسبزی را می‌آفرینند.^{۱۸} «وجعلنا فیها رواسی شامخات و أستقیناکم ماء فراتاً» (المرسلات، ۲۷/۷۷)؛ در زمین کوه‌های بلندی برافراشتیم و از آن به شما آب زلال و گوارا نوشاندیم. بنابراین، طبیعت و یکایک پدیده‌ها، سالم و متناسب با شرایط حیات انسانی در اختیار اوست و به عنوان آیه‌ها و نشانه‌های آفرینش خدا باید همواره مورد احترام و ارج گذاری انسان قرار گیرد.

عوامل آلودگی و تخریب محیط زیست

طبق نظریه دانشمندان زیست شناس، عوامل متعددی زیست انسان و سایر موجودات را تهدید می‌کند. آلودگی آب رودخانه‌ها و دریاها از طریق پساب‌های کارخانجات صنعتی و روان آب‌های شهری، آلودگی آب‌های زیرزمینی از طریق مصرف و انواع و اقسام سموم، آفت‌کش‌ها و شوینده‌ها، نابودی جنگل‌ها و مراتع، مصرف سوخت‌های فسیلی و گازهای شیمیایی، جنگ‌ها و آزمایش‌های هسته‌ای، تولید زباله‌های انبوه و دفن آن در طبیعت، رشد روحیه مصرف‌گرایی، بهره‌برداری بیش از حد از طبیعت و... هر یک نقش مهمی در تخریب محیط زیست دارند. مهم این است که تمام این تهدیدها از ناحیه خود انسان صورت می‌گیرد.^{۱۹} در حالی که یکی از رسالت‌های بزرگ انسان در این دنیا، ایجاد عمران و آبادی در زمین است: «هو أنشأكم من الأرض و استعمرکم فیها...» (هود، ۶۱/۱۱)؛ او (خداوند) شما را در زمین برانگیخت و برای عمران و آبادی‌های آن برگماشت. امروز بر هیچ کس - اعم از دانشمند و غیر دانشمند - پوشیده نیست که پیشرفت و تحول عظیم علمی صنعتی دنیا، با

همه فایده‌هایی که برای بشر داشته و خدماتی که به ارمغان آورده است، رخداد و فاجعه‌ای بزرگ، برای بشر به دنبال دارد که شناختن و پی بردن بشر به این فاجعه عظیم، لحظه به لحظه بر اضطراب و ناآرامی وی می‌افزاید و می‌رود تا تمام شیرینی‌های این پیشرفت و موفقیت‌ها را در کام او تلخ نماید.^{۲۰}

دراین جا شایسته است عوامل اساسی گرایش انسان به تخریب و آلودگی محیط زیست، از دیدگاه مذهب و به ویژه اسلام مورد بررسی قرار گیرد. این عوامل را به صورت زیر می‌توان تبیین کرد:

۱. عدم استفاده بهینه از منابع

چنانچه تصرف انسان در طبیعت از اعتدال خارج شود و در رابطه با طبیعت، منفعت‌های آنی خود را بر ساز و کارهای بلند مدت که در واقع، در خدمت انسان و نفع اوست، ترجیح دهد، عملکرد طبیعت از روال عادی و سالم خود خارج می‌شود.

اگر بپذیریم که اختلال و تغییر روند عادی طبیعت، حاصل عملکرد انسان و تصرف‌های افراطی اوست، در واقع، انسان با دست خود، سلامت خود را به خطر انداخته و امکانات و سرمایه‌هایی که به طور خدادادی در اختیارش نهاده شده، در معرض نابودی قرار داده است. از این شیوه عملکرد انسان، در فرهنگ اسلامی به «کفران نعمت و اسراف» تعبیر می‌شود که مقصود از آن، استفاده‌های نابجا و بهره‌کشی ناسالم از امکانات و سرمایه‌هاست و در برابر آن «شکر نعمت» است که بهره‌برداری بهینه و درست از مواهب طبیعی و در مسیر رضای خالق مواهب است. «ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً وأحلوا قومهم دار البوار» (ابراهیم، ۲۸/۱۴)؛ آیا ندیدی مردمی را که نعمت خدا را به کفر (موجب‌ات عذاب و رنج) تبدیل کردند و ملت خویش را به نابودی کشاندند.

قرآن کریم، با ارائه نمونه‌هایی از ملت‌هایی که عملکردی مسرفانه داشته‌اند و دچار چنان عواقبی شده‌اند، انسان‌ها و ملت‌های بعدی را از گرفتارشدن به سرنوشت آنان بر حذر داشته است. برای مثال، قرآن سرگذشت اقوام و تمدن‌هایی را یادآور می‌شود که یا برخوردار از مواهب طبیعی بودند، یا با تدبیر خود به پیشرفت‌های چشمگیری نایل شده بودند و در نتیجه زیاده‌روی در بهره‌برداری از منابع و سرمایه‌های خود، به سقوط کشیده شدند. «و ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه یأتیها رزقها رغداً من کل مکان فکفرت

بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون» (النحل، ۱۱۲/۱۶)؛ خداوند سرگذشت شهری را برای شما حکایت کرد که در آن امنیت کامل برقرار بود و اهلیش در آسایش و اطمینان زندگی می‌کردند و از هر جانب روزی فراوان به آنان می‌رسید، تا آن که اهل آن شهر، نعمت خدا را کفران کردند، خدا هم به موجب آن کفران و معصیت، طعم گرسنگی و بیمناکی رابه آن‌ها چشانید.

خطوط کلی زندگی بشر امروز، جدا از خطوط کلی زندگی انسان‌های پیشین نبوده و نیست، زیرا همه انسان‌ها بر روی کره زمین زندگی کرده و از عناصر مختلف همین طبیعت بهره می‌گیرند. و اگر در بخش‌هایی از کره زمین بحران خشکسالی، بی‌آبی و قحطی به چشم می‌خورد و یا در نقطه‌ای دیگر، مردم از طغیان طبیعت در امان نیستند و اگر در منطقه‌ای زمین‌های حاصلخیز و نعمت فراوان وجود دارد و در برخی نواحی و با وجود کوشش و تلاش فراوان، مردم از فقر و نداری در عذابند، اگر آب دریاها و رودخانه‌ها در بعضی مناطق به خشکی گراییده و در جای دیگر آب دریا، ساکنان سواحل را بی‌خانمان می‌کند، نشانگر این است که مکانیسم طبیعت بر اثر فعل و انفعالات انسان‌ها دچار این دگرگونی‌ها شده است.

امام باقر (ع) فرمود:

هنگامی که ملتی به گناه و فساد و تباهی روی آورد، خداوند رحمت خود را در آن سال از ملت بر می‌دارد...، یعنی بارانی که مقرر شده بود تا برای آنان نازل شود، به سوی دیگر دشت‌ها، دریاها و کوه‌ها بر می‌گرداند.^{۲۱}

۲. بی‌تعهدی به مبانی اخلاقی

هر انسانی، با هر نوع گرایش عقیدتی و فرهنگی، پای بند به یک سلسله ارزش‌های اخلاقی فردی و اجتماعی است و در واقع، پایداری و بقای جامعه در ابعاد مختلف امنیتی، بهداشتی، درپای بندگی به آن ارزش‌ها نهفته است.

البته تاریخ نشان از ملت‌ها و تمدن‌های بی‌شماری دارد که به سبب پشت کردن به ارزش‌های اخلاقی دچار سقوط و نابودی شده‌اند و به ویژه زمانی که گروهی از انسان‌ها، بدون توجه به حقوق سایرین، به طور غیرقانونی و ناعادلانه سرمایه‌ها و امکانات جامعه را به نفع خود به کار گیرند و بهره‌برداری از آن را حق اختصاصی خود بدانند. نتیجه

این عمل، پیدایش اختلاف طبقاتی شدیدی در ساختار جامعه خواهد شد. در چنین شرایطی افرادی که به هر نحو سرمایه‌ها و امکانات بیشتری به نفع خود جلب کرده‌اند، نوع مصرف خود را نیز از افراد متوسط و پایین جامعه متمایز می‌کنند. این پدیده در دنیای معاصر به طرز بسیار چشمگیری نمود پیدا کرده و حتی رفتار و عملکرد این طبقه، هزینه‌های زیادی بر کشورها، حتی کل جهان تحمیل کرده است.

قرآن کریم برای زیست‌های تجمل‌گرایانه و اشرافی طبقات بالای جامعه، مفهوم دقیق «اتراف و مترفین» را به کار برده است و این بیان‌گر این واقعیت است که مصرف‌زدگی و شادخواری و تجمل‌گرایی این گروه‌هاست که بر کل محیط زیست و منابع خاکی-آبی زمین، تأثیر ویرانگری گذاشته است. «و إذا أردنا أن نهلك قرية أمرنا مترفوها ففسقوا فيها»^{*} فحقّ علیها القول فدمرنا هاتدمیرا» (الأسراء، ۱۶/۱۷)؛ چون بخواهیم ملتی را به کیفر گناهشان هلاک سازیم (مجازات کنیم) پیشوایان و متنعمان آن ملت را امر کنیم راه تبه‌کاری و فسق پیش گیرند. آن جاست که تنبیه و مجازات لازم می‌شود، آن‌گاه همه را نابود سازیم.

راه کارهای حفاظت محیط زیست

انسان‌ها همواره در این اندیشه‌اند که زندگی مرفه و آبادانی داشته باشند، تا برای دستیابی به امکانات مورد نیاز، دچار هیچ مشکلی نشوند. البته این، آرزوی نابجایی نیست، چنان‌چه برخی از انبیاء و اولیای الهی هم از خداوند درخواست می‌کردند که جایگاه زندگی آنان، محلی با برکت و دارای وفور نعمت باشد. چنانکه حضرت نوح (ع)، آن‌گاه که کشتی‌اش بر فراز امواج در تلاطم بود، از خداوند درخواست کرد: «ربّ أنزلنی منزلاً مبارکاً» (المؤمنون، ۲۳/۲۹)؛ پروردگارا! مرا به سرزمین و جایگاه برکت و رحمت خود آور. و حضرت ابراهیم (ع) نیز، زمانی که زن و فرزند خود را کنار خانه خدا گذاشت، فرمود: «رب اجعل هذا بلداً آمناً و ارزق أهله من الثمرات» (البقرة، ۲/۱۲۶)؛ خدایا این شهر را محل امن و آسایش قرار ده و روزی اهلش را فراوان گردان. مهم‌ترین ویژگی هر شهر و دیاری که انسان برای سکونت اختیار می‌کند، برخورداری از امنیت بهداشتی و سلامتی است و چنان‌که انسان به امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیاز دارد، نیازمند امنیت بهداشتی نیز هست تا سلامت جسم و جان او در خطر انواع آلودگی‌ها و امراض قرار نگیرد و از نظر جسمانی

سالم، بانشاط و قوت و طراوت باشد. امام علی (ع) فرمودند: أوفر القسم صحة الجسم؛^{۲۲} بهترین و فراوان ترین روزی، سلامتی جسم است. خداوند، طبیعت را سالم و پاکیزه تحویل انسان داده است و نیز اجازه نداده، کسی بدون هیچ قید و شرطی به تباه کردن آن دست یازد. بلکه در محدوده قیود و شرایط قوانین الهی عمل کند و امانت دار نعمت های خدایی باشد و سلامت و شادابی طبیعت را حفظ کند.^{۲۳}

رابطه انسان با طبیعت

خط کلی رابطه انسان با طبیعت، از دیدگاه اسلام آن است که انسانی که در طبیعت زیست می کند، همواره باید به آبادانی و عمران آن اقدام کند و هر روز با کسب تجربه بیشتر، وارد مرحله تازه ای از آبادانی شود، اسلام برای حفاظت از محیط زندگی، احکام و آداب ویژه ای در نظر گرفته که برخی از این احکام بهداشتی اند و برخی دیگر به طور غیر مستقیم با بهداشت جامعه در ارتباطند. ما این احکام و آداب را به عنوان راه کارهایی در حوزه های مختلف عملکرد انسان در رابطه با طبیعت مورد ارزیابی قرار می دهیم:

الف) راه کارهای اخلاقی

بحران محیط زیست در جهان امروز در حقیقت، بحران اخلاقی است که به تعهد و بی تعهدی و مسئولیت شناسی و مسئولیت ناشناسی باز می گردد و از این رو، خروج از این بحران، نخست راه حل اخلاقی می طلبد. یعنی بشر امروز، نیازمند اصولی اخلاقی است که تنظیم کننده نحوه دخالت در محیط زیست است.

نکته حائز اهمیت در این مرحله عبارت است از این که منبع اصول اخلاقی مذکور کجاست و رابطه انسانی با این اصول اخلاقی چگونه برقرار می شود؟ اگر مصدر چنین اصولی را خود انسان بدانیم و عقل جمعی را در تعیین این حدود مسئول بشناسیم، شرایط، چندان تفاوتی با سایر مسایل اجتماعی نخواهد کرد، و همه افراد بشری خود را متعهد به رعایت آن ندانسته و نمی دانند. بنابر این، ما نیازمند اصولی هستیم که به آرمان های اخلاقی مشترک میان همه آدمیان نظر داشته باشد و در عین حال توسعه و رفاه مادی را نیز در نظر بگیرد و البته چنین اصولی - با ویژگی های مذکور - نمی تواند حتی توسط ماهرترین و متخصص ترین افراد انسانی به نحو شایسته ای وضع شود، مگر آن که آن را به منبعی

فراسوی ماده و طبیعت واگذار کنیم. ۲۴

چگونگی تعهد انسان به اخلاق و ارتباط او با طبیعت با این نگرش است که، مالک و خالق یگانه طبیعت و مخلوقات، خداست و چون انسان مرفقی ترین مخلوق اوست، خدا او را خلیفه خود بر روی زمین قرار داد. خلیفه و نماینده بودن انسان به طور طبیعی اقتضا می کند که تصرف او در زمین همانند، تصرف امانت دار در امانت باشد.

خلاصه آن که اگر چه انسان آفریده شده تا خلیفه خدا باشد، ولی از جهت دیگرانسان آفریده شده تا عبد خداوند باشد، چنانچه که در قرآن، فلسفه مهم خلقت انسان، بندگی کردن خدا دانسته شده است. پس انسان عابد، خلیفه الله است. ۲۵ «و ما خلقت الجنّ و الأانس إلا ليعبدون» (الذاریات، ۵۶/۵۱)؛ و من جن و انس را تنها برای عبادت و اطاعت خود آفریدم.

انسان خلیفه الله معرفی شده است، البته به شرط آن که تقوا و عدالت داشته باشد. تقوا و عدالت دو جنبه مرتبط با یکدیگرند که یکی به وسیله دیگری ظهور و تجلی می یابد. پیامبر اکرم (ص) که کامل ترین چهره کائنات است و به آن جهت که از نظر اخلاقی سرآمد همه مخلوقات و انسان هاست، مبنای اخلاق نیک، عدل و علم است و عدل نیز هرگز بدون تقوا تحقق پیدا نمی کند. به بیان دیگر: عدل، تقوا و علم، مفاهیم اساسی اند که بر پایه آن ها سیاست های اجرایی و اداری حکومت اسلامی تدوین می شود. سیاست ها و خط مشی هایی که تجلی فرمان برداری از خدا و مدد زندگی و قوام جامعه بشری است. طبیعی است آن چه وسیله و مدد رزق و پشتوانه جامعه است، تصرف و بهره برداری از آن محدود می باشد. پس حد طبیعی هم حد شرعی در این نیازمندی ها، حد میانه است. یعنی مناسب است انسان به اندازه نیاز خود در اختیار داشته باشد، نه کم تر تا فقیر و بدبخت شود و نه بیشتر تا به صورت انسانی مسرف و مصرفی درآید. ۲۶

علاوه بر آن چه یاد شد، تعبیرهای قاطعی می یابیم که با بیانی روشن، حدود مصرف ها را محدود می سازد: «لاتسرفوا = اسراف نکنید» «لاتعتدوا = زیاده روی نکنید» «لاتطغوا فیه = در تصرف های خود طغیان نکنید» و «لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل = اموال یکدیگر را به باطل مخورید»

میانه روی در مصرف، که اسلام بر آن تاکید زیادی دارد، به نفع خود انسان هاست، وجدان اخلاقی و فطرت پاک آدمی حکم می کند، انسان محیطی را که در آن زندگی می کند و یا امکاناتی را که از آن سود می جوید، به نابودی و فساد نکشانند. «ولانسن نصیبک من

الدنيا وأحسن كما أحسن الله إليك و لا تبغ الفساد في الارض إن الله لا يحب المفسدين» (القصص، ۷۷/۲۸)؛ سهم خود را از دنیا فراموش مکن، تا می توانی در دنیا نیکی کن چنان که به تو نیکی کرده، و هرگز دست به فساد و آشفستگی مزن. می توان گفت، حتی تامین نیازهای ضروری نظیر تهیه غذا، پوشاک، مسکن و تامین نیازهای غریزی مانند داشتن زن و فرزند، موجب نمی شود که آدمی غافل از همه چیز، همچنان بر طبیعت بشورد و منابع و سرمایه های آن را به نحو نامطلوب، بهره برداری کند و تنها به خودش اختصاص دهد. «یا ایها الذین آمنوا لاتلهکم أموالکم و لا اولادکم عن ذکرالله و من یفعل ذلک فاولئک هم الخاسرون» (المنافقون، ۹/۶۳)؛ ای اهل ایمان! هرگز مال و فرزندان شما را از یاد خدا (و تکلیف های او) باز ندارد، که هر کس چنین کرد، زیان خواهد دید.

ب) راه کارهای اقتصادی

برای آن که انسان تعهد خود را در مقابل طبیعت به خوبی دریابد، لزوماً باید این تعهد و مسئولیت را در بخش های جزئی تر و کوچک تر زندگی تجربه کند، مثلاً در بعد اقتصادی زندگی فردی یا در قلمرو اقتصادی حکومت اسلامی، دو مطلب مهم و اساسی به عنوان دو دستورالعمل در محدوده فرد و جامعه اعمال می شود.

۱. محدودیت در مالکیت

امعان نظر در فرهنگ اقتصادی اسلام، آشکارا ما را به محدود بودن تصرف در اموال و مالکیت ها، و تاکید درباره آن همچون یک اصل، رهبری می کند و تعبیرهایی چون خوردن، آشامیدن، روزی، معیشت، کالا، مدد(کمک) قیام و قوام(پایه و پشتوانه) و نظایر این ها به روشنی هر چه تمام تر اعلام می کنند که مال تنها، وسیله ای برای معیشت و روزی مردم است و نباید ستم و تجاوزی به حریم آن صورت گیرد.

مسئله خلافت انسان در زمین نیز از نظر زمانی موقت است و انسان تا زمانی که زنده است، حق بهره برداری از زمین و مواهب آن را دارد. «ولکم فی الارض مستقر و متاعاً الی حین» (البقره، ۳۶/۲)؛ شما تا روزگار مشخصی در زمین هستید و حق بهره برداری دارید. مقصود آن است که آدمی تا روزی که زنده است، حق بهره برداری از امکانات و مواهب طبیعی را دارد و این مفهوم می رساند که هم پس از مرگ، تمام علایق او با آن قطع می شود. و از این که حق ندارد در دوره حیات و بهره برداری خود آسیبی به طبیعت وارد کند که

اثر مستقیم و غیرمستقیم این آسیب سلامت طبیعت و نسل حاضر و نسل بعدی را به خطر بیندازد. نتیجه می‌گیریم که محیط زیست، ملک خاص هیچ نسلی نیست، تا هر گونه که خواست در آن تصرف کند، بلکه طبیعت میراث تمام بشر است که هر نسلی از نسل پیش از خود به ارث می‌برد.

فسادی که در قرآن با کوبنده‌ترین تعبیرها از آن مذمت و منع شده است، تنها به فساد اخلاقی، ستم به دیگران و معصیت خدا محدود نمی‌شود، بلکه دخالت نابه جای انسان در محیط و طبیعت و اخلال در قوانین و نوامیس طبیعی را نیز شامل می‌شود؛ بنابراین، آلوده‌سازی محیط، نوعی فساد در زمین و تجاوز به طبیعت است. ۲۷

«ولاتبع الفساد فی الارض، إن الله لایحب المفسدین» (القصص، ۷۷/۲۸)؛ در زمین، فساد و تباهی روا مدارید، زیرا خداوند فسادکنندگان را دوست ندارد.

اسلام رفتارهای محیطی مثبتی را پیش روی قرار داده و به آبادانی همه جانبه دعوت می‌کند و پرهیز از اسراف را قانونی از قوانین خلافت انسان بر روی زمین می‌داند. از این رو می‌بینیم در جایی زیاده روی‌ها را تهدید می‌کند و در جایی دیگر، چنان به ایجاد عمران و آبادانی زمین و زندگی اجتماعی ترغیب و تشویق می‌کند که گویا یکی از اهداف آفرینش انسان، ایجاد عمران و آبادانی در زمین است. «والذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعام و النار مثوی لهم» (محمد، ۱۲/۴۷)؛ آنان که همانند چهارپایان می‌خوردند و می‌زیند و از مواهب بهره‌برداری می‌کنند، پس آتش جایگاه آنان است.

«إن المبذرین کانوا إخوان الشیاطین» (الاسراء، ۲۷/۱۷)؛ اسراف‌کاران با شیاطین برادرند. (نه خلیفه خدا روی زمین).

۲. ایجاد عمران و آبادانی

اقتصاد و حیات مادی هر جامعه‌ای به میزان درآمد و تولید اقتصادی وی وابسته است و انسان هر چه بیشتر طالب زندگی راحت و همراه با آسایش باشد، ناگزیر به کوشش بیشتری است و این کوشش، مستلزم بهره‌برداری بیشتر او از طبیعت است. بنابراین انسان از طرفی باید طبیعت را به گونه‌ای بسازد تا نیازمندی‌های خود را از آن به دست آورد، یعنی همواره به آبادانی آن همت کند. «هو أنشاکم من الارض و استعمرکم فیها...» (هود، ۶۱/۱۱)؛ او خدایی است که شما را از زمین آفرید و شما را مأمور آبادانی آن کرد. مفهوم آبادانی در هر جامعه‌ای

و در هر نسلی ویژگی خاص خود را دارد، مثلاً مفهوم آبادانی در جامعه‌های ابتدایی به ساختن خانه مسکونی، آماده سازی زمین‌های کشاورزی و در جامعه‌های پیشرفته امروزی، به توسعه همه جانبه اقتصادی - به ویژه توسعه پایدار، یعنی با حفظ همه جانبه محیط زیست - اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی اطلاق می‌شود. الامام علی (ع)، من العهد الا شتری: ولیکن نظرک فی عمارة الارض ابلغ من نظرک فی استجلاب الخراج لان ذلک لا یدرک الا بالعماره...؛^{۲۸} علی (ع) به مالک اشتر نوشت: باید توجه به آباد کردن زمین بیش از توجه تو به گرفتن مالیات باشد، زیرا مالیات (خراج) جز در نتیجه آبادی فراهم نمی‌آید... از طرف دیگر، رسالت آدمی آن است که به گونه‌ای از منابع و سرمایه‌های موجود بهره برداری کند تا موجب نابودی آن‌ها نشود. جامعه‌ای که منابع تجدیدپذیر آن به کلی از بین می‌رود، معلوم است که در تصرف و بهره‌برداری از آن‌ها افراط کرده است و گرنه در جامعه‌ای که برداشت‌های آن از طبیعت، از روی تدبیر و برنامه باشد و بیش از اندازه بر طبیعت فشار وارد نسازد، هرگز دچار مشکلات تنفسی و یا کم آبی و خشکسالی نخواهد شد.

امام علی (ع) فرمودند: لایه‌لک علی التقوی سنخ اصل و لایظما علیها زرع قوه؛^{۲۹} با رعایت معیارهای خداترسی (از آن جمله در مصرف و تصرف در طبیعت)، هیچ ریشه از بین نمی‌رود و هیچ زراعتی خشک نمی‌شود و تشنگی نمی‌آید.

ج) راه کارهای فقهی بهداشتی

بخش مهمی از احکام فقهی اسلام، در واقع احکام بهداشتی - محیطی است. احکام آب‌ها، احکام زمین، احکام مربوط به مسایل کشاورزی (مزرعه و مساقات) و بالاخره حفاظت از محیط زیست، اهمیت بهداشت، تا آن جا مورد توجه قرار گرفته است، که برای دفن اجساد مردگان، احکام ویژه‌ای وضع شده است. مثلاً مطابق دستورهای اسلام، گورستان مردگان را در خارج از شهر می‌سازند، بدن میت سه مرتبه غسل داده می‌شود، آب غسل باید در گودالی ریخته شود که محل رفت و آمد عمومی نباشد، قبر باید عمیق بوده و محکم پوشانده شود تا میکروب به بیرون سرایت نکند. و احکام فراوانی درباره آب‌ها و آلودگی آن‌ها داریم. حتی در اسلام آلودگی بیش از حد با حکم نجس تبیین شده است.^{۳۰}

د) راه کارهای حقوقی

واقعیت آن است که آدمی در همه آن چه کسب می‌کند و به آن دست می‌یابد، وامدار

اجتماع است. اگر این استعدادها، افکار، تجربه‌ها، مهارت‌ها و کارها نبود و آن تلاش‌های جمعی در طول زمان صورت نمی‌پذیرفت، انسان نمی‌توانست به هیچ چیز دسترسی پیدا کند.^{۳۱} بنابراین، فعالیت و عملکرد آدمی در زمینه‌های مختلف، هم با طبیعت و هم با سایر افراد جامعه ارتباط مستقیم و موثر دارد و او ناگزیر از رعایت حقوق کسانی است که به نحوی با آن‌ها در ارتباط است.

در حقوق اسلامی، اصول و قواعدی کلی وجود دارد که مطابق آن هیچ کس حق ضرر زدن به دیگران را ندارد و حاکم اسلامی از هر گونه عملکردی که مستقیم یا غیرمستقیم، موجب ضرر به سایرین شود، جلوگیری می‌کند و این قواعد کلی در فقه و حقوق اسلامی عبارتند از: «قاعده لاضرر»، «قاعده عدالت» و «اختیار حاکم اسلامی» همچنین مفتوح بودن باب اجتهاد نیز، این امکان را به فقه و فقیهان می‌دهد تا در هر زمانی، متناسب با موضوع‌های جدید، حکم شرعی را استنباط کنند.

در همین رابطه، آلوده کردن محیط زیست نیز چنان چه موجب بیماری افراد شود و یا نظم و مصلحت عمومی را برهم بزند و یا به هر نحوی بر آن‌ها ضرر وارد سازد، مطابق این قواعد و اصول حرام است و حکومت اسلامی که عهده دار جلوگیری از رواج و اشاعه بیماری‌ها و تأمین سلامت جامعه است، رفتار و اعمال افراد را به نحوی تحت ضبط در می‌آورد که کسی اجازه نیابد کیفیت محیط را به تباهی بکشد.

پیامبر اکرم (ص) مالکیت «سمره» را نسبت به محل درخت و سلطه او و حق مروری را به جهت اضرار به انصاری، نفی کرد و حال آن که زیان فرد به فرد است، اما صاحب کارخانه، اتومبیل، موتورسیکلت، به خصوص کارخانه‌های آلوده کننده محیط زیست، که آلاینده‌های آن‌ها در سطح بسیار وسیعی صورت می‌گیرد و ضرر آن‌ها به ساکنان یک منطقه و در برخی موارد، به ساکنان کل جهان می‌رسد، به طریق اولی باید از فعالیت یا مالکیت خود منع شوند تا موجب اضرار به سلامت و بهداشت صدها هزار نفر نگردد.^{۳۲}

نتیجه‌گیری

در دین اسلام، به ویژه در دو منبع اصلی آن یعنی قرآن و سنت، مسائل محیط زیستی هم به طور مستقیم در قالب توصیف عناصر طبیعت و هم در اصول اعتقادات، تحت عنوان

خلافت الهی انسان بر زمین و هم به طور غیر مستقیم در قالب تأسیس قواعد و اصول کلی اخلاقی و حقوقی توجه شده است. همچنین خداوند انسان را در زمین، مسکن داده و با تسخیر طبیعت برای او، تمام نیازهایش را برآورده ساخته است؛ اما انسان را بر اثر عدم استفاده بهینه از منابع و بی توجهی نسبت به مبانی حقوقی محیط زیست، آن را آلوده کرده و پیامدهای آن را به جان خریده است.

در منابع اسلامی برای رهایی از بحران‌های زیست محیطی نیز راه کارهای متفاوتی از منظر اخلاقی، حقوقی و اقتصادی ارائه کرده است.

۱. مقدمه‌ای بر شناخت محیط زیست/۲۱۰.
۲. بحارالانوار، ۱۷۲/۵۸.
۳. همان، ۱۱۶/۳.
۴. تفسیر نمونه، ۱۲۰/۱.
۵. همان.
۶. همان، ۴۰۰/۳.
۷. بحارالانوار، ۱۹/۳.
۸. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، بهداشت شهر و اجتماع، ۹۴-۹۰/۲.
۹. بحارالانوار، ۱۸۵/۱۰.
۱۰. مهندسی محیط زیست/۱۳.
۱۱. بحارالانوار، ۱۱۹/۳.
۱۲. همان، ۶/۶۰.
۱۳. همان، ۱۹.
۱۴. قرب الاسناد/۱۰۹، ترجمه صادقی اردستانی.
۱۵. بحارالانوار، ۲۷۱/۲.
۱۶. بحارالانوار، ۳۸۵/۵۹.
۱۷. همان، ۱۱۶/۱۰.
۱۸. همان، ۴۳۰/۲۶.
۱۹. شیمی محیط زیست/۲۱.
۲۰. بهداشت در قرآن.
۲۱. بحارالانوار، ۷۲/۱۰.
۲۲. میزان الحکمه، ۲۸۰/۵، حرف ص.
۲۳. مجموعه مقالات اولین سمپوزیوم بین المللی اسلام و مسیحیت ارتدکس/۷۳.
۲۴. ر. ک. همان.
۲۵. محیط زیست و مسئولیت انسان/۳۴، ترجمه محمد حسین شمسانی.
۲۶. انسان، اسلام، اکولوژی، کیهان اندیشه، شماره ۵۷/۲۶.
۲۷. اسلام و محیط زیست/۵۲۰، ترجمه اسماعیل حدادیان.
۲۸. الحیاه، ۷۷۴/۲.
۲۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۶.
۳۰. درباره احکام فقهی، بهداشتی محیط زیست به کتاب‌های فقهی، به ویژه رساله‌های عملیه مراجعه شود.
۳۱. حقوق محیط زیستی بر اساس قرآن و حقوق بین الملل ۴۵۱/.
۳۲. قاعده لاضرر و بهداشت محیط زیست، مجله دانشکده الهیات مشهد، شماره ۳۳/۳۴، پاییز و زمستان ۹۳/۱۳۷۵.